

دکتر عتیق الرحمن

لکچر شعبہ عربی، فارسی اور اسلامیات

مغربی بنگال ہندوستان

## سنت شکنی مہدی اخوان ثالث در حماسہ سرایی فارسی معاصر

در ابیات معاصر اخوان ثالث (ف: ۹۶۳۱/۱۹۹۱م) معروف ترین و مشہور

ترین شاعر حماسہ سرایی ایران است، اخوان از جملہ شاعران بزرگ معاصر است کہ سرودن سیاسی و اجتماعی از ویژگیہای ممتاز شعر او بہ شمار می رود، او می خواست زبان ملت خود و قلمی باشد کہ رنجنامہی ملت خود را برکتیبہ تاریخ بنویسد، در حالی آشکار است کہ اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران را بہ گونه ای نمادین و بسیار زیبا در این شعر بیان می کند.

اخوان نخستین کسانی است کہ حماسہ سرایی را بویژہ از جهت وزن و قالب نیما را

بیان کردہ است و عصر خفقان سیاسی را بہ خوبی نشان می دہد. در "آخر شاہنامہ" او در بارہ

ابراز علاقہ مفرط بہ اساطیری و حماسہ و بر روی ہم فرہنگ و اندیشہ ایران پیش از اسلام

بیان نمودہ است. بہ این سبب شعر اخوان را بہ معنایی واقعی در سطح پایین تر در سیاسی و در سطح

بالا تر فلسفی نیست بلکہ شعر اجتماعی خاصی است.

معاصران اخوان ثالث احمد شاملو، منوچہر آتش، سیاوش کسری و غلام حسین

غریب اندم. امید حماسہ سرایی اش از فردوسی مختلف ساختہ است، فردوسی مخصوصاً در بارہ

ویژه ای شاهنشاهان ایران و وزراء و امراء و پهلوانان بیان نموده است، ولی شعر اخوان ثالث فقط وابسته به مشکلات و مصیبت‌های مردم عامه و جبر و استبداد بر آنها است. شعروی سراسر زندگانی سیاسی و اجتماعی مردمان ایران را عکاسی می‌کند، اینجا چندین شعر از عنوان «کتیبه» از مجموعه «آ خر شاهنامه» نقل می‌شود.

فقاده تخته سنگ آن سوی تر، ازگار کوهی بود

و ما این سونشته، خسته انبوهی

زن و مرد و جوان و پیر،

همه با یک دیگر پیوسته، لیک از پای

و باز نجیر

اگر دل می‌کشید دیگر سوی دلخواهی

به سولیش می‌توانستی خزند، لیک تا آنجا که رخصت بود تا زنجیر!

شعر نو حماسی که در ادب فارسی به عصر فردوسی و ناصر خسرو بازمی‌گشت این روش شعری که در زمان قدیم در یونان موجود بود، و ایرانیان این شیوه شعری را از یونان گرفته‌اند، مهدی از نیما یوشیج تأثیر پذیرفته است و روش قدیم را در اشعارش (شعر مکتب خراسانی) آورده است، و کوشش پیگیری احیاء زبان شعر قرن چهارم و پنجم را بعمل آورده است.

امید در شعر خود به زبانی دست یافته بود که نرم و استادانه، مشکلترین مفاهیم اجتماعی و سیاسی و عاشقانه را چه به جد و جهد و چه به طنز، در قالب‌های نو و کهن می‌گنجانید، اما مایه تمام اندیشه‌های او، عشق به ایران و انسانیت آزاد و سرفراز بود. او شاعری بود که موقعیت

تاریخی و حماسی را در طول حیات می شناخت و علی رغم تسلط بر ادب فارسی و تازی و آشنای  
پایش با ادب، ایران می اندیشد و شعرش را در خدمت روحیات و مصلحتها و ذوقیات مردم  
سرزمین خود را قرار داده بود، اینجا چندین شعر از مجموعه "تراای کهن بوم و بردوست دارم"  
نقل می شود:

گرچه بس بیگانه امروزت نماید خویش و خوابان  
پیش من خویشی ندارد دوستت، بیگانه ای هم  
عمر و جان کردم نثارت، عاشقم دیوانه و ارت  
عاشقی دیوانه چون من نیستت، فرزانه ای هم  
عشق و ایمانم به ایران، درد و گیتی هم نلگند ۲

اخوان ثالث نقل و روایت گری را یکی از مایه اصلی شعر خود قرار داده است. روح  
روایت گری که مانند هر شاعر قصه گوینی دیگر در اشعارش موجود است. این توصیف گاه با همراه  
به اوج و کمال هنری می رسد. یکی از مهمترین منظومه که بنام "طلوع" در مجموعه "آخر شاهنامه"  
شامل شده است اینجا یک بند نقل می شود:

پنجره باز است،

و آسمان پیدا است،

گل به گل ابرسترون در زلال آبی روشن

رفته تا بام برین، چون آگینه پلگان، پیدا است.

من زگا هم مشمل نو پرواز گنجشک سحر خیزی

پله پله رفته بی پرواز به اوجی دوروزین پرواز،

لذتم چون لذت مرد کبوتر باز ۳

اخوان ثالث در اشعارش به موضوع تاریخی، جغرافیایی، سیاسی و سیاستهای  
 جهانی و ملی و اوضاع طبقاتی و اجتماعی رami داشت، خوبی اخوان اینست که بتوسط اشعارش  
 آثار باستانی به شیوه نو بیان نموده است، مهمترین مجموعه وی "آخر شاهنامه" است که به  
 شیوه فردوسی و هومر سروده است و "قاصدک" یک رباعی وی که از این مجموعه خیلی  
 معروف و مشهور شده، بیشتر اشعار او تا شیر ذمین و زبان "شاهنامه" آشکار شده است،  
 اخوان در مجموعه های بعدی او ابراز علاقه مفرد به اساطیر و حماسه و به روی هم فربنگ  
 اندیشه ایران پیش از اسلام بیان نموده است، رباعی که اوضاع سیاسی و اجتماعی روزگار  
 اوست.

قاصدک! بان، چه خبر آوردی؟

از کجا و از که خبر آوردی؟

خوش خبر باشی، اما، اما

گرد بام و در من

بی ثمری گردی...

امید البته معانی اجتماعی و سیاسی را در زیر رمزها و تمثیل های خود پنهان می کند.  
 گرایش او به آیین کهن و قسمی درویشی و رندی که در پایان زندگانی در او شدت یافته بود.  
 همان چیزی نیست که عارفان [در مثل عطار، در منطق الطیر] می گفتند، بیان او حماسی  
 است گرچه در بسیاری جاها آهنگ تراژیک به خود می گیرد بیان او روشن است و این  
 وابسته شسته رنگی و پاکیزگی زبان و اثرگان و روشنی معنا است. گویی در شعر او همه چیز  
 حساب شده و هر واژه با دقتی که ویژه شاعران سبک خراسانی است به جای خود نشسته

است. او نیز مانند شالمو به واژگان کهن پارسی علاقه بسیار دارد.

دکتر رضا براتی درباره شعر اخوان ثالث می نویسد:

”من قصد ندارم با کوبیدن کج اندیشه های اخوان، شعر اخوان را نیز که خود شخصاً دوست دارم و به نظر شعری است، عزیز و حتی گاهی سخت عظیم، کوبیده باشم، با وجود آنکه معتقد هستم، بعضی از شعرهای اخوان واقعا بد است، ولی باید اینجایا با فاصله بگویم که بعضی از شعرهای اخوان واقعا زیبا است، و هرگز نمی توان در شکوه و عظمت و زیبا آنها تردید داشت، چرا که! اخوان بالفعل، ذاتا و کلاماً، شاعر است و از همه بالاتر اخوان، نفس دارد، ذاتا آن را در روح کلام، می دمد و به همین مشخص است و بدون شک سبک دارد“

اخوان به ذات خود انسانی تر از یک نبود، بلکه در عصر و زمانی تراژیک به دنیا آمد و با ذهن و خلاق و بسیار حساسش این زندگی را به صمیمیتی هر چه تمامتر، همان گونه که دیده و زیسته بود، در شعر خود نماید، از همین اوست که در فصل ”از این اوستا“ شعر ”خظلی“  
از غنون رامی آورد که این بیت ختم می شود:

دل خوش نشود همچو گل از خرده خویشم	تنم چو به تاراج رود کوه زراز خلق
من مرثیه گوی وطن مرده خویشم	گویند که ”امید و چه نومید!“ ندانند
پرورده این باغ، نه پرورده خویشم	مسکین چه کند خظل اگر تلخ نگوید؟

و چه تراژیک زندگی در زبان فاخر و پر صلابت اخوان آن چنان سنگین و زیبا بیان شده و آن چنان کوبنده و تکان دهنده است که هر واژه و هر تصویرش بند بند وجود انسان رامی لرزاند.

شعر امید در وزن و شکل و ساختمان شعر و معانی یکی از توفیق آمیزترین گونه ادب  
امروزینه ما است، زیرا شعرش با فارسی شیرین و روشن و رسایی سروده است، معنی برای  
امید مهمتر است از بیان و تصور، اما همان معنای زنده و ظریف و نکته های دقیق او نیز در  
بیان های مجازی و تصویرهای دقیق و بجا و شاعران به نمایش در آمده است، از این رودر  
مرتبه نخست شاعر جدید قرار داد.

بطور کلی اخوان شاعر است که گوی چیزی ناامیدی و ترش و شکست در دلش راه یافت،  
نه زبان خشن و حماسی می تواند، این روح و حشمت زده و ناامیدی را از او دور کند، و راجع به  
این موضوع این طور می سراید:

امروز،

ما شکسته ما خسته،

ای شما بجای ما پیروز،

این شکست و پیروزی بکا متان خوش باد.

هر چه فاتحانه می خندید؛

هر چه می زنیدمی بندید؛

هر چه می برید، می بارید،

خوش بکا متان اما،

لغش، این عزیز ما را هم بخاک سپارید ۶

اخوان شاعری است که در حوزه نومید و شکست لنگر انداخته است. جو یای پیوستگی؛

ستاره روشن و فضایی آفتابی و باران است و جو یای لنگر و دوستی گرم اما جامی رود ما بردی؛

تاریکی، رویاروی می شود. روز بهار چون مشتی برگهای زرد و خشکیده می بیند. لحظه های مستی و  
هشیاری را پر از دروغ و دروغ می یابد، سرشار از گریه و بعضی شبانه است:  
شب از شبهای پائیزی است.

از آن همدرد با من مهربان شبها شک آور،

ملول و خسته دل، گریان و طولانی.

شمی که در گمانم من که آیا بر شمم گریه، چنین همدرد،

ویا بر باد ادم گریه، از من نیز پنهانی.

و اینک (خره در من مهربان) پنجم.

که دست سرود و خیشش را

چو بالشتی سیه زیر سرم. بالین سوادها گذارد شب

من این می گویم و دنباله دارد شب

شعر اخوان ثالث شعری است که اجتماعی و آئینه حوادث زندگی مردم ایران با زیبایی  
ویژه او که از همه شاعران معاصر ممتاز است. امید علاوه بر این شعر آزاد، به مجموعه قوالب  
شعر کلاسیک تمایل نشان داد و از هر کدام نمونه ای چند سروده است، از امید، بر شعر،  
مقالات بسیاری در زمینه شعر و شاعری به خصوص نقد و تحلیل نیا، نیز انتشار یافته است.

شفیعی کدکنی در باره ی مهدی اخوان ثالث می گوید: "اخوان به نظر من یکی از آن  
نوادری است که در تاریخ و فرهنگ هر ملتی به قدرت در هر قرن یکی دو تا پیدا می شود..... او  
بزرگترین کیمیاگر زبان فارسی بود، کسی که با کلمات فارسی طلا درست می کرد، سکه می زد  
سکه هایی که بدون تردید تا زبان فارسی هست این سکه ها رواج دارد. می

اخوان ثالث شاعر معاصر است که روانه تبای قدیم را در شعر خود بکار برده است و شیوه قدیمی را در اشعارش باقی مانده است، و تأثیر روش نورانگذاشته است، برای این سبب امید را بزرگترین و آخرین شاعر کلاسیک ایران نامیده اند. از این روشا که خود را غریق دریای رویدادی می بیند در شعله نو میدی حیرت انگیزی منفرمی شود:

..... بده..... بد بد..... دروغین بود هم لجنند و هم سوگند

دروغین ست هر سوگند و هر لجنند،

و حتی دلنشین آواز جفت تشنه پیوند..... ۹۰

یکی از زمینه های اصلی شعر اخوان، اندوه و غمزدگی و وسیله ابراز این اندوه زدگی هم "گریستن" و "گریه" است. برای شناختن روح خسته و اندوه عمیقی که او را در بر گرفته است، آثاری که در آنها سخن از گریه و گریستن آمده است، شایسته تأمل و تعمق و یک دیوان مستقل فراهم می شود:

همین از غم ز تنها چشم خون بالای من گرید  
 که همچون نخل باران خورده سر تا پای من گرید  
 نه چون شمعم که شب گرید، ولی آرام گیر در روز  
 که چشم شب به روز برشبهای من گرید  
 مگر ابر بهار امشب غمی چون من به دل دار  
 که من خواهد بدینسان تا سحر همپای من گرید  
 اجل خندان رسید و اشکریزان رفت و بخشودم  
 فغان کا این دزد و هم بر پوچی کالای من گریدان



برای اخوان ثالث نقل و روایت هم برای بیان کردن مسئله‌ای اجتماعی و فلسفی است، به این سبب اشعار روایتی او اشعار تمثیلی است، و وی همیشه در پس پرده قصه و حکایت، بر جستجو معنی اصلی و مفهوم تمثیل پرداخت از حیث محتوای شعر اخوان به سوی تکامل حرکت می‌کند. حرکت از جنبه فردی و عاشقانه به سوی جنبه اجتماعی و حماسی و تاحدی فلسفی بیان می‌نماید.

وطن پرستی و ایران دوستی اخوان در بسیاری از اشعارش متجلی است. این ویژگی اخوان آنچنان زبان زد است که نیازی به توضیح ندارد. قصیده‌ای مهدی اخوان ثالث خود شاهکاری هنری است، متجلی عشق او به ایران به اوج می‌رسد:

ز پوچ جهان هیچ اگر دوست دارم  
ترا، ای کهن بوم و بردوست دارم  
ترا، ای کهن پیر جاوید برنا  
ترا دوست دارم، اگر دوست دارم  
ترا، ای گرانمایه، دیرینه ایران  
ترا، ای گرامی گهر دوست دارم  
ترا، این کهن زاد بوم بزرگان  
بزرگ آفرین نامور دوست دارم!

در میان شاعران بزرگ معاصر شاملو و اخوان در این کار شکر دارند آنها بسیاری از واژگان مرده‌ی فارسی را دوباره زنده کردند و اخوان با توجه به ضرورت و جاهایی که شعرش لحن حماسی دارد به خوبی از این شیوه بهره می‌برد و این امر حتی برای شاعران بزرگ هم

ردیف او جالب توجه است ۲۱.

حقیقتی است اخوان در همه عرصه های زندگی بی ریا بود. در میهن پرستی اش و علاقه ای  
بی حدش به این بوم و بر فرهنگ باستانی اش در عشقش به زبان فارسی در سیدایی اش به  
رندان قافله ادب فارسی و در نفرتش به هر چه ریا و فریب بود..... در زمینه های اخلاقی احیاناً  
طور دیگر هم.

فلسفه اخوان از ادراک لحظه های نادر زودگذر، که در سیل بیهوده و لعنت زده زمان،  
گاه پدید می آید آغاز می شود، و ازین طریق شعرش با زلالی از اندیشه های خیالی، حول  
تأثر از ناپیدی سرنوشت انسان می گردد.

یکی از مایه های فلسفی، عرفانی از این اوستا، در همین لحظه های بیخوشی و عرفانی (چه زمینی  
و چه غیر زمینی اش) شکل گرفته است، مزدک و بودا و زردشت و شاعر همه در هم می آمیزند  
تا مزدشت چنین سخن بسراید:

بین دانستن،

و ندانستن

تا جهان باقی ست مرزی هست

همچنان بوده است،

تا جهان بوده است ۳۱

شعر اخوان به یک معنی تراژدی غربت آدمی است. نگاه انسانی که در کانون شعرا  
به جهان می نگرد، نگاه تراژیک است، همه جادو جتوی نوعی خل و دیوانگی و ربایی است.

اگر نه در حالت خاص عارفانه، بلکه در صدای شاعرانه، اخوان همواره به این ربای و یگانگی می‌اندیشند. ۴۱

فروغ فرخزادی گوید: "اخوان به هر حال در ردیف نیما و شاملو است، یکی از آن آدم‌هایی که اگر هم دیگر شعر نگوید به حد کافی گفته. شعر اخوان به شکل صمیمانه‌ای هم‌حالی این دوره است و هم‌حال خود اخوان. زبانی که اخوان در شعرش به وجود آورده برای من همیشه حالت زبان سعدی را دارد. شکل است آدم کلمات خیلی رگ و ریشه دارد سنگین زبان فارسی را بیاورد پهلوی کلمه‌های زبان روزانه و متداول بگذارد و هیچ کس نفهمد..... فقط به نظر می‌رسد که بعضی وقت‌ها او خودش هم فریفته‌ی مهارت‌ها و تردستی‌هایش در بازی با کلمات می‌شود. البته این جزو خصوصیات شعر اوست به هر حال او در جایی نشسته است که دیگران باید سعی کنند به آنجا برسند. ۵۱

در شعری مانند "باغ من" استادی اخوان در سبک و تداوم سنت کلاسیک آشکار است. باغ و گلستانها و بوستانها همچون "قو" در شعر اروپایی مضامین تکراری اند. باغها و بوستانها بارها و بارها در کمال تمتع نشان و در اوج زیبایی تکرار می‌شوند. باغها پردیس‌های زمینی اند که شاعر (ایرانی) را با گذر میان گل و بلبل به یاد معشوقه تمایش می‌اندازد. اخوان به نیمی طنز و نیمی سوگنامه، ترکیب خیال باغ را نماد مؤثر دورانی می‌کند که شاعر آن می‌زید. دورنمایی به تمامی ناقص باغهای بهاری در سنت کهن، عنوان "باغ من" خواننده را وامی‌دارد که شعر را با مفهوم خیال باغهای قدیمی در پس پشت دانستگی اش آغاز کند. سطرهای آغازین شعر، صحنه‌ای برپای می‌کند که در آن پیوند آسمان و ابر، بر ضد دلتنگی‌ها و

تنهایی باغ برمی خیزد تا آن جافرور و ندر و یای روی شعر را اثر ف ترمی سازد:

آسمانش را گرفته تنگ در آغوش

ابر؛ با آن پوستین سرد نمناکش

باغ بی برگی،

روز و شب تنهاست،

با سکوت پاک غمناکش ۶۱

واژگان شمع امید از متن های کهن و از زبان مردم گرفته شده اما در پیکره های جنگ  
سروده های او تری و تازگی و یرای یافته است. مصاریح و بیت های شعرش گهگاه تصنع و  
قرینه سازی ساختگی پیدای کند اما در زمستان، آ خر شاهنامه و از این اوستا نو و کهن ترکیبی نو  
ساخته می یابد و شاعر در این زمینه طرحی نومی افکند. برخی واژه ها و تعبیر کهن که اینک رفته  
رفته به دست فراموش سپرده می شود، در قطعه های او بکار می رود و کم و بیش روح می یابد؛  
اخوان جز اینکه راه نیما هموار کند، چه با شعر و چه با نوشته های خود، چه چاره ای می توانست  
داشت.

درین مقاله کوشش بر آن شده است فرق حماسه سرایی نواز حماسه سرایی قدیم ایران  
روشن گردد. در زبان قدیم حماسه سرایی فقط در باره سرزمین ایران، پادشاهان، وزراء و  
امراء و پهلوانان است، ولی شاعران جدید در ادبیات فارسی معاصر اوضاع سیاسی و  
اجتماعی ایران را موضوع ساخته اند. شعراء حتی المقدور سعی کرده اند که در اشعارشان مردم  
عامه کارگران و رنجبران و زنان را موضوع بحث قرار دهند.

## منابع

- ۱- مرتضی کاظمی، باغی بی برگی، یادنامه مهدی اخوان ثالث، انتشارات آگاہ، چاپ اول، تهران، ۰۷۳۱ ص ۱۹۴
- ۲- اخوان ثالث، مهدی، تراوی کهن بوم و بردوست دارم، انتشارات مروارید، چاپ اول، تهران، ۸۶۳۱، ص ۵۷
- ۳- اخوان ثالث، مهدی، "آ خر شاهنامه" انتشارات مروارید، چاپ اول، تهران ۸۳۳۱، ص ۹۲۱
- ۴- همان کتاب، ص ۷۴۱
- ۵- اخوان ثالث، مهدی، ارغنون، انتشارات مروارید، چاپ اول، تهران ۰۳۳۱، ص ۷۷
- ۶- اخوان ثالث، مهدی، از این اوستا، انتشارات مروارید، چاپ اول، تهران ۴۴۳۱، ص ۸۸ و ۷۸
- ۷- همان کتاب، ص ۹۵
- ۸- داوود هزاره، سیاه و سپید، مقایسه و نقد تحلیلی شعر سهراب سپهری و امید انتشارات پاژ، چاپ اول، زمستان، ۳۸۳۱، ص ۷۱
- ۹- اخوان ثالث، مهدی، زمستان، انتشارات مرواری، چاپ اول، تهران ۵۳۳۱، ص ۱۴۱
- ۱۰- اخوان ثالث، مهدی، ارغنون، انتشارات مروارید، چاپ اول، تهران ۰۳۳۱، ص ۹۱
- ۱۱- اخوان ثالث، مهدی، تراوی کهن بوم و بردوست دارم، انتشارات مروارید، چاپ اول، تهران ص ۴۲
- ۱۲- داوود هزاره، سیاه و سپید، مقایسه و نقد تحلیلی شعر سهراب سپهری و امید، انتشارات پاژ، چاپ اول زمستان، ۳۸۳۱، ص ۷۱
- ۱۳- اخوان ثالث، مهدی، از این اوستا، انتشارات مروارید، چاپ اول، تهران ۴۴۳۱، ص ۵۴

۳۱ - مرتضی کاخی، باغی بی برگی، یادنامه مهدی اخوان ثالث، انتشارات آگاہ، چاپ اول، تهران  
۱۸۳ ص ۵۷۳

۵۱ - داؤد هزاره، سیاه و سپید، مقایه و نقد تحلیلی شعر سهراب سپهری وم - امید، انتشارات پاز،  
چاپ اول، زمستان ۳۸۳۱، ص ۸۱

۶۱ - مهدی اخوان ثالث، زمستان، انتشارات مروارید، چاپ اول، تهران ۵۳۳۱، ص ۲۵۱

### کتاب استفادہ

۱ - عبدالعلی دستغیب، سایہ روشن شعر نو پارسی، انتشارات فرہنگ، تهران ۸۳۳۱

۲ - عبدالعلی دستغیب، تحلیلی از شعر نو فارسی، انتشارات صائب، تهران ۵۳۳۱

۳ - عبدالعلی دستغیب، نگاہی بہ مهدی اخوان ثالث، انتشارات مروارید، چاپ اول تهران

۳۷۳۱

۴ - محمود عبادیان، فردوسی و سنت نوآوری در حماسہ سمرانی، انتشارات گہر، تهران ۹۶۳۱

۵ - مرتضی کاخی، صدای حیرت بیدار و گفتگو بای مهدی اخوان ثالث، انتشارات زمستان

۱۷۳۱

۶ - محمد جعفر باحقی، چون سبوی تشنہ (ادبیات معاصر فارسی) انتشارات جامی، تهران ۵۷۳۱

۷ - محمد حقوقی، شعر نو از آغاز تا امروز، انتشارات خوارزمی، تهران ۱۵۳۱

۸ - شمس لنگرودی، تاریخ تحلیلی شعر نو جلد اول تا چهارم، نشر مرکز، تهران ۷۷۳۱

۹ - احمد تمیم داری، تاریخ ادب پارسی، مکتبہ ہا، دورہ ہا، سببا و انواع ادبی انتشارات بین الملل

الہدیٰ چاپ اول، تهران ۹۷۳۱

۱۰ - عبدالحمید خلخالی، تذکرہ شعرای معاصر ایران، انتشارات کتاب فروشی فروغی، تهران ۳۳۳۱

۱۱ - مجید روشنگر، از نیما تا بعد (برگزیدہ از شعر امروز ایران) انتشارات مروارید، تهران ۵۷۳۱